

متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیزم: استاد طاهرزاده عزیز باز هم بنده مزاحمتمون میشم. در مورد حرفهای دکتر عباسی. ایشان در یک کلیبی با نام «مسیحیان امت پیامبر» که اخیراً منتشر کرده اند صحبت هایی در مورد دکتر داوری می‌کنند که بسیار جای تعجب بنده شد. اتهامات موجود در این کلیپ به قدری زیاد است که فقط خواهش می‌کنم خودتان ببینید. استاد خواهش می‌کنم وقت گذاشته و این کلیپ را ببینید. با توجه به اینکه عده ای از جوانان انقلابی از ایشان درس می‌گیرند خواهش می‌کنم نظر خود را در مورد حرف های ایشان بیان کنید. سوای تهمت هایی که به دکتر داوری زده شده به طور کلی ایشان قائل به نظریه ای به نام علوم تثلیثی هستند که با چماق این نظریه بر سر هر اندیشمندی که بخواهند می‌کوبند. اگر صلاح میدانید در مورد این نظریه هم یادداشتی مرقوم بفرمایید. لینک کلیپ میسحیان امت پیامبر مدت پخش کلیپ ۹ دقیقه و ۴۵ ثانیه

<https://www.aparat.com/v/spGYR>

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته این سخنرانی در تاریخ ۱۶ آذر سال ۹۲ بوده است. تأسف بیشتر ما به جهت روحیهی تکفیری آقای عباسی است، وگرنه اگر موضوع انتقاد به افراد باشد که اشکال ندارد. هرچه ضربه خورده‌ایم از همین روحیه‌های تکفیری ضربه می‌خوریم. می‌فرمایند هرچا تثلیث هست، پای مسیحیت در کار است و به شاگردان‌شان فرموده‌اند بروید کتاب‌های کانت را پیدا کنید که چندین و چند نکته‌ی تثلیثی در آن هست. فکر می‌کنم اگر کمتر به خود زحمت داده بودند و به روایات و آیات ما رجوع می‌کردند، راحت‌تر می‌توانستند پیامبر خدا را نیز مسیحی بدانند که «الله اکبر» می‌گوید، ولی تثلیثی فکر می‌کند. به عنوان نمونه به این چند روایت نظر بفرمایید که: رسول الله «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌فرمایند: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ، صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ..» و یا می‌فرمایند: «الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ: قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا وَ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى وَ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْلَى» **همچنان که در جای دیگر فرموده‌اند:** «ثَلَاثَةٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي: الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ مُضِلَّاتُ الْفِتَنِ وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ». تأسف بیشتر از آن‌جا است که در جاهایی پا می‌گذارند که اساساً نمی‌توانند جای پای خود را محکم کنند. در مورد آیت الله جوادی می‌گویند: «به آقای جوادی یک نفر بگوید در جامعه اثرش چه بوده است؟!» و در جایی دیگر می‌گویند: «حضرت امام در آخر از فلسفه‌ی صدرایی عبور کرده‌اند». ای کاش فراموش نمی‌کردند امام در آخر عمر در نامه‌ای که به گورباچف نوشتند

در آن جا از جناب ملاصدرا و ابن عربی برای دعوت گورباچف سخن راندند.

اگر لااقل آقای عباسی یک فصل از آخرین کتاب‌های آقای دکتر داوری مثل کتاب «خرد سیاسی در جهان توسعه‌نیافتگی» را خوانده بودند و کسی به ایشان کمک می‌کرد که جایگاه علوم انسانی در فرهنگ مدرن را در آن کتاب می‌فهمیدند، عرق شرم بر پیشانی ایشان می‌نشست که اساساً آنچه جناب آقای دکتر داوری، این چهره‌ی ماندگار این مرز و بوم در رابطه با علوم انسانی معروف در دنیا می‌گوید؛ زمین تا آسمان با علوم انسانی مورد نظر رهبری فاصله دارد و سخنان جناب آقای دکتر داوری، این اندیشمند دلسوز و فرهیخته‌ی جهانی تذکر به این امر است که مواظب باشیم علوم انسانی موجود یعنی اقتصاد و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اساساً در بستر فرهنگ غربی برای رفع مشکلات آن فرهنگ است و بدین معنا ما اساساً علوم انسانی بدین معنا نداریم، زیرا مسائل ما، مسائل غربی نیست که با آن اقتصاد و آن روان‌شناسی و آن جامعه‌شناسی بخوایم رفع کنیم. لااقل نظری به سخنان دکتر کچوئیان جامعه‌شناس مشهور کشور خودمان می‌انداختند که می‌فرماید: «علوم انسانی و جامعه‌شناسی، زبان انسان مدرن است و با آن، جهان مدرن و انسان مدرن تفسیر می‌شود و انسان مدرن با جامعه‌شناسی، زبان پیدا کرد». دکتر کچوئیان می‌فرماید: «انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین نقد ایده‌ی جامعه‌شناسی کلاسیک است». و حال آقای دکتر عباسی بدون توجه به جایگاه سخن آن‌هایی که می‌فرمایند ما علوم انسانی نداریم؛ حقیقتاً متحجرانه سخن رهبری را مقابل این سخنان قرار می‌دهد و این ضربه‌ی بزرگی است که به رهبری می‌زنند.

آری! هرچه ضربه می‌خوریم از امثال روحیه‌هایی است که آقای دکتر عباسی بدان دامن می‌زنند و بنده قبلاً این سخنان را نشنیده بودم در حال حاضر از دفاعیاتی که قبلاً از ایشان کرده‌ام، پشیمانم چون فکر می‌کنم ایشان با این روحیه جوانان ما را از موارث فکری و فرهنگی مان جدا می‌کنند. دیگر چه فرقی می‌کند داعشی‌های وهّابی داشته باشیم و یا داعشی‌های شیعه؟! عمده آن است که بتوانیم فهم اندیشه‌ی اندیشمندان را به مخاطبان مان عطا کنیم به جای آن‌که غبار در چشم حقیقت بیفشانیم. تصور بنده آن است که آقای عباسی در این سخنرانی از اولیات اخلاقی نیز، سخت سقوط کرده است، اگر اقلماً مباحث دینی آقای دکتر داوری را که بعضاً در رجوع به سخنان مولایمان امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» در بعضی از کتب ایشان به صورت پراکنده می‌دید؛ به خود چنین جرأتی نمی‌داد. موفق باشید